



## بررسی عوامل مرتبط با میزان به تأخیر انداختن تولد فرزند اول (مطالعه موردی زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله ساکن شهر میبد)

نویسندگان: راحله زارع مهرجردی<sup>۱</sup>، طیبه محمدی نیا<sup>۲</sup>، قربان حسینی<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول: مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

تلفن تماس: ۰۹۱۳۲۵۱۶۲۶۹ Email: ghazal59\_nima@yahoo.com

۲. مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

۳. کارشناس پژوهشی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

### چکیده

**مقدمه:** اهمیت باروری به عنوان مهمترین عامل تغییر در ساخت جمعیت و یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد جمعیت موجب شده تا مطالعات مربوط به باروری، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات جمعیت‌شناختی داشته باشد. هدف این مقاله بررسی میزان تأثیر عوامل جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تأخیر انداختن تولد نخستین فرزند در شهر میبد می‌باشد.

**روش بررسی:** روش مطالعه در این تحقیق، پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه ساخت یافته است. جامعه مورد مطالعه، زنان ۱۵ تا ۴۹ سال ازدواج کرده و دارای حداقل یک فرزند شهر میبد و حجم نمونه شامل ۳۷۹ نفر می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای سه مرحله‌ای انتخاب شده‌اند.

**یافته‌ها:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای تمایل پاسخگویان به حاملگی، نوع خانواده، سن ازدواج و مدت زمان ازدواج پاسخگویان، تحصیلات پاسخگویان و شوهرانشان، خاستگاه جغرافیایی پاسخگویان، وضعیت شغلی زنان و نوع ازدواج آنها با متغیر وابسته میزان به تأخیر انداختن تولد فرزند اول رابطه وجود دارد. همچنین یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن است که میزان استفاده از وسایل جلوگیری، سن ازدواج، خاستگاه جغرافیایی پاسخگویان، مدت ازدواج، برابری جنسیتی و نوع خانواده، به ترتیب بیشترین سهم را در تعیین فاصله بین ازدواج و تولد فرزند اول دارند و توانسته‌اند ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج مطالعه حاضر و مطالعات قبلی نشان می‌دهد که در طول سال‌های اخیر، فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول افزایش یافته و از شدت باروری کاسته شده است. در مجموع از یافته‌های بدست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تأثیر شرایط جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی در افزایش میزان به تأخیر انداختن تولد فرزند اول و بالطبع کاهش باروری فعلی جامعه، به مراتب بیشتر از شرایط اقتصادی می‌باشد. بنابراین برای کاهش فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند در برنامه‌ریزی‌ها، باید به عوامل جمعیتی و اجتماعی- فرهنگی بیشترین توجه را نمود.

**واژه‌های کلیدی:** به تعویق انداختن فرزندآوری، سن ازدواج، وسایل جلوگیری از حاملگی، نوع خانواده.

## طلوع بهداشت

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال پانزدهم

شماره: سوم

مرداد و شهریور ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۵۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵



## مقدمه

اثر بگذارد به ویژه اگر پیشگیری برای فاصله‌گذاری نه برای محدود کردن باروری باشد (۲).

زمان شروع فرزندآوری زنان به‌خاطر تأثیراتی که بر نرخ جایگزینی جمعیت دارد، دارای اهمیت زیادی می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بالا رفتن سن شروع فرزندآوری، باعث افزایش ناهماهنگی در اندازه خانواده و زمان باروری می‌شود. معمول شدن روند به تأخیر انداختن مولید نخست توسط زنان تا حدود سن ۳۰ سال در کشورهای توسعه یافته، کاهش در نرخ‌های باروری این کشورها را در انتهای قرن بیستم به دنبال داشته است (۳). بررسی‌ها نشان داده است که، سن زنان در هنگام نخستین تولدشان در کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیز، تأثیر مهمی بر ویژگی‌های جمعیتی می‌گذارد. شروع زودتر فرزندآوری زنان از دو طریق به رشد جمعیت کمک می‌کند، نخست، به‌خاطر استفاده نکردن عمدی از وسایل جلوگیری در زنانی که فرزندآوری را زود شروع کرده‌اند، این زنان نسبت به زنانی با قدرت باروری مساوی که فرزندآوری را در سنین بالاتری شروع کرده‌اند، تولدهای بیشتری را داشته‌اند. دوم اینکه، تولدهایی که در زنان جوانتر اتفاق می‌افتد به‌خاطر کوتاه‌تر شدن طول دوره زمانی بین نسل‌ها، نرخ بالاتری از باروری و رشد جمعیت را به دنبال داشته است (۴).

به دنبال چندین سال تلاش برای کنترل جمعیت، از طرف سازمان‌ها و کلینیک‌ها و مراکز بهداشتی ایران، نرخ رشد جمعیت کشور از رقم ۳/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ که یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت در جهان بود، به ۱/۴ درصد در اواخر سال ۱۳۷۷ تنزل پیدا کرد.

شناخت ویژگی‌های ساخت جمعیت و عوامل تعیین کننده آن مانند مرگ و میر، باروری، مهاجرت و غیره، برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و ... نیازی بنیادی است. از جمله مطالعاتی که جمعیت‌شناسان و برنامه‌ریزان به آن علاقمند می‌باشند، بررسی سن شروع فرزندآوری و تعیین عوامل مرتبط با آن می‌باشد. با توجه به کاهش رشد جمعیت، بالا رفتن سن ازدواج و کاهش میزان عمومیت ازدواج، یکی از مسائلی که جامعه ما در آینده‌ای نزدیک به آن دچار خواهد شد، مشکل عدم جایگزینی جمعیت خواهد بود. بنابراین شناخت دقیق‌تر اثرات افزایش فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند در این زمینه، دارای اهمیت شایانی می‌باشد.

تا قبل از ظهور وسایل پیشگیری، ازدواج زودرس معمولاً یک روند منظمی از حاملگی‌ها را به دنبال داشته است که تا از دست دادن کامل قدرت باروری در اثر یائسگی یا مرگ متوقف نمی‌شد. زنان امروزی به‌خاطر ظهور وسایل پیشگیری موثر و کارآمد، یک نسل جدید از لحاظ زیست شناختی هستند، چرا که می‌توانند انتخاب کنند که آیا بچه داشته باشند یا نه و چه زمانی برای این امر مناسب است (۱).

سن شروع فرزندآوری (Child Bearing) یک رابطه مستقیم با باروری کلی (Fertility Total) هر زن دارد و بر تعداد بچه‌ای که یک زن در طول دوره تولید مثل در غیاب هر نوع کنترل باروری فعال می‌آورد، تأثیر می‌گذارد، حتی وقتی که برنامه‌ریزی تنظیم خانواده در همه جا گسترش یافته است. نیز، زمان تولدهای نخستین می‌تواند روی اندازه خانواده کامل شده



انداختن تولد اولین فرزند در بین زنان شهر میبد پرداخته شده است. تا بتوانیم با شناخت و کنترل این عوامل، مدت زمان به تأخیر انداختن شروع فرزندآوری را کاهش دهیم.

عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۵)، در بررسی کنترل تولد قبل از حاملگی اول در ایران با استفاده از داده‌های پیمایش انتقال باروری ایران در سال ۲۰۰۲ (IFTS) در چهار استان ایران، به این نتایج دست یافتند که در بین نسل‌های متاهل، یک الگوی U شکل وجود دارد. به این معنی که بعد از سال ۱۹۹۰، استفاده از کنترل تولد بعد ازدواج و قبل از حاملگی اول در ایران به میزان چشمگیری افزایش یافته است و میزان آن از ۳ درصد به ۲۰ درصد رسیده است. در این مطالعه برای این افزایش، دو فرض را پیشنهاد کردند: فرض اول، بکارگیری کنترل تولد قبل از حاملگی اول، در واکنش به شکل جدید ازدواج یعنی ازدواج نکاحی است که بیشتر بر روابط آمیزش در ازدواج تمرکز دارد، و ناشی از نیروهای جهانی شدن و ایده‌های غربی فردگرایانه می‌باشد (۵).

تفسیر دیگر نیز، بر اخلاق خانوادگی و برابری جنسیتی که به وسیله نهادهایی مانند دولت یا مذهب حمایت می‌شود و بر رفتار خانواده تأثیر دارد، تأکید می‌کند (۷). آزمون فرضیه‌ها نشان داده است که تفاوت در استفاده از وسایل پیشگیری و اثر مستقیم آموزش و نگرش‌های مساوات طلبی و سن ازدواج، بر کنترل موالید سهم داشته است (۵).

پارسا (۱۳۸۴)، در مطالعه بین ۱۲۷۸ زن شوهردار ساکن شهرستان بویراحمد، به این نتایج دست یافت که متغیرهای استفاده از روش‌های پیشگیری، تحصیلات زن و شوهر، خاستگاه جغرافیایی زن، مدت ازدواج، استفاده از وسایل ارتباط جمعی،

همچنین نرخ باروری کلی نیز در ایران از کمی بالای ۶ در سال ۱۹۸۵ میلادی به کمی بالای ۲ در سال ۲۰۰۰ کاهش پیدا کرده است و از سال ۱۳۷۸ به این طرف باروری کل در ایران به زیر سطح جایگزینی یعنی ۲/۰۶ رسیده است که بیشتر با الگوی کشورهای توسعه یافته هم‌تراز می‌باشد (۵). این نشان دهنده همگرایی جمعیتی و انتقال جمعیت ثانویه در هر دو جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد (۶). بنابراین کشور ما نیز در آینده‌ای نه چندان دور به مشکلات جمعیتی دچار خواهد شد که کشورهای توسعه یافته درگیر آن هستند.

با توجه به مطالب قبل و روند سریع شهری و صنعتی شدن شهر میبد و تأثیری که این روند بر الگوی رفتارهای خانوادگی این شهر مانند افزایش علاقه زنان به کسب تحصیل به ویژه در سطوح بالا، افزایش شرایط ایده آل آنها از نظر شغل و درآمد، افزایش فردگرایی و افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های زندگی، تغییر تدریجی الگوی نوع ازدواج و سن ازدواج به سمت عقلانی شدن و افزایش هزینه پذیرفتن وظایف والدینی خواهد گذاشت، انتظار می‌رود که این زنان نسبت به هم‌تایان‌شان در گذشته، مادر شدن را برای دوره‌های طولانی‌تری به تأخیر بیندازند.

بنابراین، با توجه به توضیحات فوق و نقشی که به تأخیر انداختن تولد اولین فرزند، به عنوان یک تعیین کننده تغییرات در ماهیت ازدواج و سازمان خانواده و رشد جمعیت دارد. در این مقاله به شناخت و تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی (تحصیلات زن و شوهر، تمایل به بچه‌دار شدن، نوع خانواده، خاستگاه جغرافیایی، نوع ازدواج و برابری جنسیتی)، عوامل جمعیتی (سن ازدواج، استفاده از وسایل پیشگیری و مدت ازدواج) و عوامل اقتصادی (وضعیت اشتغال زن، هزینه ماهیانه خانوار) مرتبط با به تأخیر



تحصیلات زوجین یک تأثیر قوی بر فاصله بین ازدواج و نخستین تولد داشته است و میانگین این فاصله در بین زوج‌هایی که وضعیت تحصیلی یکسانی داشتند، خیلی پایین بوده است. همچنین میانگین این فاصله در بین زوج‌هایی که هر دو کار می‌کردند در مقایسه با زوج‌هایی که تنها مرد خانواده کار می‌کرد، طولانی‌تر بوده است (۴).

### روش بررسی

روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی و مقطعی، و تکنیک تحقیق، پرسشنامه است. جامعه آماری شامل زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر میبد می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۱۵۹۱۳ نفر بوده است (۱۰). برای تعیین حجم نمونه از جدول لین با خطای ۵ درصد استفاده و حجم نمونه مورد نظر ۳۷۹ نفر انتخاب شد (۱۱). در این مطالعه از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای به دست آوردن نمونه لازم از بین زنان همسر دار ساکن شهرستان میبد استفاده شده است. در این پژوهش فهرست حوزه‌های سرشماری برای داشتن چارچوب نمونه‌گیری حوزه‌ها، از سازمان برنامه و بودجه استان یزد تهیه شد. سپس با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده (جدول اعداد تصادفی)، نمونه‌ای از حوزه‌ها که برابر با ۱۳ حوزه شهری می‌شد، انتخاب شدند. از آنجا که هر کسی در یک حوزه‌ای زندگی می‌کند، بنابراین از شانس برابری برای انتخاب شدن در نمونه نهایی برخوردار است. سپس با استفاده از نقشه‌های سرشماری، فهرست بلوک‌های هر حوزه منتخب را تهیه کردیم و دوباره با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای تصادفی از بلوک‌های هر حوزه انتخاب کردیم. در مرحله بعد نیز با استفاده از نسبت نمونه‌گیری، از بین خانوارهای هر بلوک،

بر میزان فاصله بین تمامی موالید (موالید اول تا پنجم) تأثیرگذار و همچنین متغیر سن ازدواج، تنها بر فاصله بین ازدواج و تولد فرزند اول، تأثیرگذار می‌باشد (۸).

عباسی شوازی و رازقی نصرآباد (۱۳۸۹)، در مطالعه الگوها و عوامل موثر بر فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران، با استفاده از داده‌های طرح بررسی سلامت و جمعیت سال ۱۳۷۹ و با به‌کارگیری مدل تحلیل بقا، به این نتایج دست یافتند که میانگین فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران ۲/۷ سال است و بیش از ۸۵ درصد از زنان در پنج سال نخست ازدواج، فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند. بررسی تغییرات زمانی حکایت از افزایش فاصله اولین تولد در میان زنانی که بعد از سال‌های ۱۳۷۰ ازدواج کرده‌اند، دارد. این تأخیر، پیوند قوی با سن ازدواج زنان و همسرانشان، تحصیلات زنان و تمایل آنان برای افزایش تحصیلات دارد. زندگی در استانهای کم توسعه با میزان بیشتری از وقوع تولد اول تا دو سال پس از ازدواج ارتباط دارد و این میزان در مقایسه با استان‌های توسعه یافته، از سومین سال پس از ازدواج، کاهش می‌یابد (۹).

کومار و دانابالان (Kumar & Danabalan)، در سال ۲۰۰۶، در مطالعه "ابعاد به تأخیر انداختن نخستین تولد"، در بین زنان تازه ازدواج کرده دارای حداقل یک بچه زیر ۵ سال، در تعدادی از نواحی کرالا (Kerala)، به این نتایج دست یافتند که تفاوت زیادی در فاصله نخستین تولد و ازدواج در رابطه با محل سکونت وجود دارد و متوسط طول این فاصله در زنان نواحی شهری و روستایی بیشتر از نواحی ساحلی است. زنان در خانواده‌های هسته‌ای نسبت به زنان در خانواده‌های گسترده، میانگین سن بالاتری در هنگام نخستین تولد زنده داشتند. تفاوت



ازدواج تا تولد اولین فرزند خود را ۱۲ تا ۳۵ ماه اعلام کرده‌اند، که بیشترین درصد است و ۱۳/۷ درصد از آنها فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزندشان، ۳۶ ماه و بالاتر می‌باشد که کمترین درصد بوده است.

توزیع پاسخگویان برحسب تعدادی از متغیرها در جدول ۲ را نشان می‌دهد که ۵۱/۸ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از وسایل جلوگیری از باروری استفاده می‌کنند. درصد کمی از زنان پاسخگو یعنی ۱۱/۱ درصد شاغل بودند و مابقی اعلام کرده‌اند که خانه‌دار هستند. ۷۶/۵۸ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که نخستین حاملگی آنها با تمایل خودشان بوده است. که این نشان‌دهنده تمایل زیاد پاسخگویان به حاملگی است. خاستگاه جغرافیایی ۸۱/۴۸ درصد از پاسخگویان شهر و مابقی روستا بوده است. ۶/۱ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که نوع ازدواج آنها رمانتیک بوده و ۹۳/۹ درصد نوع ازدواج آنان ترتیب یافته بوده است. طول مدت ازدواج ۶۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۰ سال بوده است. ۶۸/۲ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که در هنگام ازدواج بین ۱۵ تا ۱۹ سال سن داشتند. ۸۶/۳ درصد از زنان و ۸۲ درصد از شوهران‌شان تحصیلات دیپلم و کمتر داشتند.

آزمون تفاوت میانگین متغیرها با فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند را جدول نشان می‌دهد. در مورد رابطه بین استفاده از وسایل پیشگیری و فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند، با توجه به مقدار  $T=11/256$  و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به لحاظ آماری، این رابطه معنی‌دار می‌باشد و استنباط می‌شود که میزان فاصله بین ازدواج و نخستین تولد در زنانی که قبل از نخستین حاملگی‌شان از وسایل جلوگیری استفاده می‌کردند، نسبت به

هفتمین خانوار را انتخاب کردیم. از قبل تعدادی پرسشگر زن استخدام و چند جلسه در مورد نحوه پرکردن پرسشنامه به آنها آموزش داده شد. اطلاعات مورد نیاز به وسیله پرسشنامه ساخت یافته (ترکیبی از پرسشنامه‌هایی که در سال‌های اخیر در پژوهش‌های مربوط به باروری استفاده شده است) از نمونه‌ها جمع‌آوری شد. این پرسشنامه پس از تدوین مورد بررسی چند نفر از متخصصین جمعیت‌شناسی قرار گرفت و تأیید شد. با یک پژوهش مقدماتی، ۵۰ پرسشنامه را بین زنان شوهردار ۴۹-۱۵ سال که حداقل یک حاملگی را تجربه کرده بودند و ساکن در ۱۳ حوزه شهری انتخاب شده از دو منطقه شهر میبد بودند، توزیع نمودیم. پایایی ابزار سنجش بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب به دست آمده برابر ۰/۷۵ بود. اطلاعات جمع‌آوری شده وارد نرم افزار SPSS شده و مورد تحلیل قرار گرفت. متغیرهای مورد بررسی شامل دو دسته از متغیرهای مستقل (اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) و متغیر وابسته فاصله بین ازدواج و تولد فرزند اول است. این متغیرها در دو سطح تحلیل توصیفی و استنباطی (رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تحلیل استنباطی داده‌ها از آزمون‌های آماری، تفاوت میانگین (T)، تحلیل واریانس (F)، و رگرسیون خطی و چند متغیره استفاده شده است.

### یافته‌ها

توزیع پاسخگویان برحسب سن زن و فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند در جدول ۱ نشان داده شده است. از بین زنان نمونه مورد بررسی، بیشترین آنها یعنی ۳۹/۷ درصد در سن ۴۴-۳۵ سال هستند و کمترین درصد آنها یعنی ۱۱/۱ درصد در سن ۴۹-۴۵ سال قرار دارند. ۷۱/۶ درصد از کل زنان نمونه، فاصله بین



میبود صورت گرفته است، به این نتیجه دست یافتیم که سن ازدواج زنان روستایی، پایین تر از زنانی است که در شهر متولد شده‌اند. همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد رابطه بین نوع ازدواج با مدت زمان بین ازدواج و تولد فرزند اول، با توجه به مقدار  $T = ۲/۲۷۳$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۲۴$  به لحاظ آماری، معنی‌دار می‌باشد و از نتایج مقایسه میانگین‌ها استنباط می‌شود که، مدت زمان بین ازدواج و نخستین تولد زنانی که ازدواج ترتیب یافته به وسیله پدر و مادر داشتند، نسبت به زنانی که ازدواج رمانتیک داشتند، بیشتر است. این وضعیت می‌تواند ناشی از سن ازدواج پایین تر زنانی که ازدواج ترتیب یافته به وسیله پدر و مادر داشتند، نسبت به زنانی که ازدواج رمانتیک داشته‌اند باشد.

آزمون رابطه بین تعدادی از متغیرها با فاصله زمانی بین ازدواج تا تولد اولین فرزند را جدول ۴ نشان می‌دهد که از آزمون رگرسیون استفاده شده است. در مورد رابطه متغیر سن ازدواج زن و میزان فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند با توجه به مقدار  $T = -۴/۳۲۸$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۰۰$ ، این رابطه معنی‌دار بوده و از طرف دیگر، ضریب Beta نشان دهنده رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن سن ازدواج زنان، فاصله زمانی بین ازدواج تا تولد اولین فرزند کاهش می‌یابد. از دیگر متغیرهای مستقلی که رابطه آنها با متغیر وابسته فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند مورد آزمون رگرسیون قرار گرفت متغیرهای تحصیلات زن و تحصیلات شوهر بود. همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد، نتایج به دست آمده از داده‌ها، این فرض را تأیید می‌کند. با توجه به مقدار  $T = -۲/۲۲۲$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۲۷$ ، رابطه میان تحصیلات

زنانی که استفاده نمی‌کردند، بیشتر می‌باشد. فرض دیگر، مدت زمان فاصله بین ازدواج و نخستین تولد در زنان خانه‌دار، نسبت به زنان شاغل، کمتر است. در مجموع، با توجه به مقدار  $T = ۱/۸۴$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۲۸$ ، این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. در آزمون فرضیه بین تمایل پاسخگویان به بچه‌دار شدن و فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند با توجه به مقدار  $T = ۲/۲۷۳$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۲۴$ ، این رابطه با احتمال بیش از ۹۵ درصد اطمینان، معنی‌دار است. و می‌توان نتیجه گرفت که پاسخگویانی که حاملگی‌شان به خواست خودشان صورت گرفته است نسبت به آنهایی که حاملگی‌شان به خواست خودشان نبوده، فاصله بیشتری بین ازدواج و تولد فرزند اول‌شان داشته‌اند یا به عبارت دیگر زمان فرزندآوری خود را دیرتر شروع کرده‌اند. رابطه بین نوع خانواده با فاصله بین ازدواج و تولد فرزند اول فرضیه دیگری بود که مورد آزمون قرار گرفت، با توجه به مقدار  $T = ۳/۵۶$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۲۹$  به لحاظ آماری این رابطه معنی‌دار می‌باشد و استنباط می‌شود که میزان فاصله بین ازدواج و نخستین تولد زنانی که با شوهرشان در منزل جدا زندگی می‌کردند، نسبت به زنانی که با یکی از اعضای خانواده شوهر یا خودشان زندگی می‌کردند، بیشتر است. فرض دیگر این است که زنانی که تا قبل از ۱۴ سالگی در روستا زندگی کرده‌اند نسبت به زنان متولد شهر، از میانگین بالاتری در رابطه با فاصله بین ازدواج و تولد فرزند اول برخوردارند. در مجموع، با توجه به مقدار  $T = ۲/۹۱$  و سطح معنی‌داری  $۰/۰۳۴$ ، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. که این می‌تواند ناشی از سن ازدواج پایین تر زنان روستایی نسبت به زنان شهری باشد که در تحقیق دیگری که توسط خود محقق در رابطه با سن ازدواج زنان شهرستان



از فرض‌های دیگر تحقیق، رابطه مدت زمان ازدواج و فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند است. با توجه به مقدار  $T=2/061$  و سطح معنی‌داری  $0/04$ ، این رابطه معنی‌دار و مثبت و مستقیم است. به عبارت دیگر با بالا رفتن مدت زمان ازدواج، فاصله زمانی بین ازدواج تا تولد اولین فرزند نیز افزایش می‌یابد. فرضیه‌های دیگر تحقیق وجود رابطه میان متغیرهای برابری جنسیتی و میزان هزینه خانوار با متغیر فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند بود که با توجه به جدول ۴ هیچ رابطه معنی‌داری بین آنها و متغیر وابسته نبوده است.

زن و فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند معنی‌دار و ضریب Beta نشان دهنده رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر است. به عبارت دیگر با بالا رفتن تحصیلات زن، فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند کاهش می‌یابد. رابطه بین تحصیلات شوهر و فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند با توجه به مقدار  $T=-1/995$  و سطح معنی‌داری  $p=0/047$  معنی‌دار و رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر است یعنی با بالا رفتن تحصیلات شوهر، مدت زمان بین ازدواج و تولد اولین فرزند کاهش می‌یابد.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب سن زن و فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند

سن زن	فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند		۹-۱۱ ماه		۱۲-۳۵ ماه		۳۶ ماه به بالا		جمع کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱۵-۲۴ سال	۱۱	۲۴/۴	۲۹	۶۴/۴	۵	۱۱/۱	۴۵	۱۱/۸	
۲۵-۳۴ سال	۱۷	۱۲	۱۰۰	۷۰/۴	۲۵	۱۷/۶	۱۴۲	۳۷/۴	
۳۵-۴۴ سال	۱۸	۱۱/۹	۱۱۳	۷۴/۸	۲۰	۱۳/۲	۱۵۱	۳۹/۷	
۴۵-۴۹ سال	۱۰	۲۳/۸	۳۰	۷۱/۴	۲	۴/۸	۴۲	۱۱/۱	
جمع کل	۵۶	۱۴/۷	۲۷۲	۷۱/۶	۵۲	۱۳/۷	۳۸۰	۱۰۰	

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیرهای منتخب

متغیرها	فراوانی	درصد
استفاده از وسایل جلوگیری	بله	۱۹۷
	خیر	۱۸۳
	خانه‌دار	۳۳۸
وضعیت شغلی زن	شاغل	۴۲
	تأمیل پاسخگویان	۲۹۱
نوع خانواده	خیر	۸۹
	با خانواده زن یا شوهر	۲۶۳
	مستقل	۱۱۷
خاستگاه جغرافیایی زن	شهر	۳۰۸
	روستا	۷۰
	نوع ازدواج	۲۳
ترتیب یافته	۳۵۷	۹۳/۹



جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین متغیرها با فاصله بین ازدواج تا تولد نخستین فرزند

متغیرها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	df	T	سطح معنی داری
استفاده از وسایل جلوگیری	۱۹۷	۳۳/۳۴	۲۲/۱۷۳	۳۷۸	۱۱/۲۵۶	۰/۰۰۰
وضعیت شغلی زن	۳۳۸	۲۴/۹	۱۹/۵۶۶	۳۷۸	۱/۸۴	۰/۰۲۸
تمایل پاسخگویان	۲۹۱	۲۵/۴۸	۲۰/۳۷۹	۳۷۸	۲/۲۷۳	۰/۰۲۴
با خانواده زن یا نوع خانواده	۲۶۳	۲۲/۹۱	۱۶/۸۶	۳۷۸	۳/۵۶	۰/۰۲۹
خاستگاه جغرافیایی زن	۳۰۸	۲۴/۲۸	۱۹/۴۸۶	۳۷۸	۲/۹۱	۰/۰۳۴
نوع ازدواج	۳۵۷	۲۴/۸۳	۱۹/۱۸۶	۳۷۸	۲/۲۷۳	۰/۰۲۴

جدول ۴: آزمون رابطه متغیرها با فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند

نام متغیر	R	R <sup>2</sup>	Adj.R <sup>2</sup>	خطای استاندارد	B	Beta	T	F	سطح معنی داری
سن ازدواج زن	۰/۲۱۷	۰/۰۴۷	۰/۰۴۵	۰/۳	-۱/۲۹۷	-۰/۲۱۷	-۴/۳۲۸	۱۸/۷۳	۰/۰۰۰
تحصیلات زن	۰/۱۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱	۰/۲۳	-۰/۵۱۲	-۰/۱۱۴	-۲/۲۲۲	۴/۹۳۹	۰/۰۲۷
تحصیلات شوهر	۰/۱۰۲	۰/۰۱	۰/۰۰۸	۰/۲۴	-۰/۴۷۸	-۰/۱۰۲	-۱/۹۹۵	۳/۹۸۲	۰/۰۴۷
مدت زمان ازدواج	۱/۰۵	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۱۱۱	۰/۲۲۹	۰/۱۰۵	۲/۰۶۱	۴/۲۴۶	۰/۰۴
برابری جنسیتی	۰/۰۸۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۸۴	-۰/۱۳۴	-۰/۰۸۲	-۱/۵۹۸	۲/۵۵۵	۰/۱۱۱
هزینه ماهیانه خانوار	۰/۰۲۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۵/۹۱	-۰/۰۲۹	-۰/۵۶۶	۰/۳۲۱	۰/۵۷۲

جدول ۵: متغیرهای که در معادله رگرسیون به روش گام به گام وارد شده‌اند

مرحله	متغیر مستقل	B	Beta	T	SigT	R	R <sup>2</sup>
اول	استفاده از وسایل جلوگیری	-۱۹/۲۰۴	-۰/۵۱۲	-۱۱/۷۶۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۱	۰/۲۵۱
دوم	سن ازدواج زن	-۰/۹۱۲	-۰/۱۵۳	-۳/۱۸۴	۰/۰۰۲	۰/۵۴۳	۰/۲۹۵
سوم	خاستگاه جغرافیایی زن	۲۳/۷۶۵	۰/۱۱۲	۲/۶۳۷	۰/۰۰۹	۰/۵۵۶	۰/۳۰۹
چهارم	مدت زمان ازدواج	۰/۲۶۵	۰/۱۲۲	۲/۵۱	۰/۰۱۲	۰/۵۶۷	۰/۳۲۱
پنجم	برابری جنسیتی	-۰/۱۶۸	-۰/۱۰۳	-۲/۴۱	۰/۰۱۶	۰/۵۷۶	۰/۳۳۱
ششم	نوع خانواده	-۳/۳۴	-۰/۰۸۹	-۲/۱۰۶	۰/۰۳۶	۰/۵۸۲	۰/۳۳۹

مجموع، متغیرهای استفاده از وسایل جلوگیری، سن ازدواج زن، خاستگاه جغرافیایی زن، برابری جنسیتی، مدت زمان ازدواج و نوع خانواده، می‌توانند ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را

جدول ۵، بیانگر تحلیل چند متغیره، متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر وابسته می‌باشد. بر اساس جدول یاد شده، ضریب همبستگی چند متغیره در مرحله ششم نشان می‌دهد که در





درصد از این پاسخگویان، تولد اولین فرزند خود را بین ۱۲ تا ۳۵ ماه بعد از ازدواج، بتأخیر انداخته‌اند.

نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل دو متغیره حاکی از آن است که از متغیرهای مورد مطالعه، متغیرهای وضعیت شغلی زن، خاستگاه جغرافیایی زن، تحصیلات زن و شوهر، مدت زمان ازدواج، نوع خانواده، سن ازدواج زن، استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی، تمایل پاسخگویان به حاملگی و نوع ازدواج با متغیر فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند دارای رابطه معنی‌دار هستند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند با استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی دارای رابطه می‌باشد، که تحقیق پارسا (۸) نیز این رابطه را تأیید می‌کند. همچنین با سن ازدواج زن و میزان تحصیلات زن نیز دارای رابطه بوده که با تحقیقات عباسی شوازی و همکاران (۵)، پارسا (۸)، عباسی شوازی و رازقی نصرآباد (۹)، عباسی شوازی و همکاران (۱۲)، عباسی شوازی و همکاران (۱۳)، چرمزاده و همکاران (۱۴)، اوینگ گیمه (Obeng Gyimah) (۱۵)، دروس و کراودال (Derose & Kravdal) (۱۶)، بنرزی (Banerjee) (۱۷) و ماتسو (Matsuo) (۶) همسو می‌باشد. همچنین نتایج این تحقیق مبنی بر رابطه میزان تحصیلات شوهر با فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند، با تحقیق پارسا (۸) و اوینگ گیمه (۱۵) مشابه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند با وضعیت شغلی زن دارای رابطه است که با تحقیق کومار و دانابالان (۴) اسکایربک (Skirbekk) (۱۸) و هاوکیز و دیگران (Hawkes & others) (۱۹) همخوانی دارد. همچنین یافته‌های این تحقیق تأیید کننده رابطه بین خاستگاه جغرافیایی زن و نوع خانواده با فاصله بین

پیش‌بینی نمایند. با توجه به اینکه ۳۴ درصد از واریانس فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول به‌وسیله این متغیرها تعیین شده است. در کل، ضریب تعیین به‌دست آمده نشان می‌دهد که معادله رگرسیونی ما برای پیش‌بینی متغیر وابسته از قدرت پیش‌بینی نسبتاً بالایی برخوردار است.

بر اساس ضرایب Beta، متغیر استفاده از وسایل جلوگیری، بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته دارد ( $Beta = -0.512$ ). این در حالی است که پس از آن متغیرهای سن ازدواج زن و مدت زمان ازدواج، بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته دارند و متغیر نوع خانواده، کمترین تأثیر را در تبیین فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول دارد. آزمون T نشان می‌دهد که ضرایب B برای هر ۶ متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی‌دار است. یعنی هرچه T بالاتر رفته است، سطح معنی‌داری پایین‌تر آمده است. البته باید ذکر شود که عدم ورود متغیرهای خارج از معادله به معنی کم اهمیت بودن آنها نمی‌باشد، بلکه به دلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله با متغیرهای درون معادله است. زیرا در روش مرحله به مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیرها یا متغیر برای پیش‌بینی می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج توصیفی بدست آمده بیشتر پاسخگویان ما را میان‌سالان تشکیل می‌دهند که درصد بالایی از آنان تحصیلات دیپلم و کمتر دارند و درصد کمی از آنان شاغلند. درصد زیادی از آنها در هنگام ازدواج بین ۱۹-۱۵ سال، سن داشتند و ۷۱/۶



جمعیتی و بعد از آن متغیرهای اجتماعی-فرهنگی بیشتر از متغیرهای اقتصادی است. بنابراین با توجه به تأثیر به مراتب بیشتر متغیرهای جمعیتی، اجتماعی-فرهنگی بر میزان به تأخیر انداختن فرزندآوری، در مقایسه با متغیرهای اقتصادی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شرایط جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی کنونی به مراتب بیشتر از شرایط اقتصادی، سبب افزایش به تأخیر انداختن تولد فرزند اول شده‌اند که بالطبع خود، باعث کاهش باروری نیز می‌شود. بنابراین برای کاهش فاصله بین ازدواج تا تولد اولین فرزند در برنامه‌ریزی‌ها، باید به عوامل جمعیتی و اجتماعی-فرهنگی بیشترین توجه را نمود.

از محدودیت‌های مطالعه حاضر، مقطعی بودن آن می‌باشد که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در رابطه با بررسی عوامل مؤثر بر فاصله‌گذاری بین ازدواج و تولد اولین فرزند، مطالعات مقایسه‌ای بین جوامع سنتی و مدرن صورت گیرد، مخصوصاً در کشور ما، که وجود تفاوت‌هایی از این لحاظ کاملاً مشهود است، این قبیل مطالعات می‌تواند به روشن شدن این پدیده و روندها و عوامل مؤثر بر آن، بیشتر کمک کند. همچنین برای دستیابی به نتایج کاملتر و سنجش دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر فاصله بین ازدواج و نخستین تولد، پیشنهاد می‌شود که در این رابطه، پژوهش‌های بیشتری به صورت کیفی و عمیق و در سطح وسیع، در داخل کشور انجام شود.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری داده‌اند، تشکر و قدردانی نمایند.

ازدواج و تولد اولین فرزند می‌باشد که با تحقیق پارسا (۸)، کومار و دانابالان (۴) همخوان می‌باشد. نتایج این تحقیق همچنین رابطه فاصله بین ازدواج و تولد اولین فرزند با نوع ازدواج را نشان می‌دهد که با تحقیق هانگ (Hong) (۲۰) همخوانی دارد.

نتایج حاصله از تحلیل چندمتغیره که با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره (به روش گام به گام) انجام گرفته، حاکی از این است که، با سطح معنی‌داری بیش از ۹۵ درصد، معادله پیش‌بینی رگرسیونی ما دارای ۶ مرحله است. بر اساس ضریب همبستگی چند متغیره در مرحله ششم در مجموع، متغیرهای استفاده از وسایل جلوگیری، سن ازدواج زن، خاستگاه جغرافیایی زن، برابری جنسیتی، مدت زمان ازدواج و نوع خانواده، می‌تواند ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول) را پیش‌بینی نمایند و در این میان قدرت متغیرهای استفاده از وسایل جلوگیری و بعد از آن سن ازدواج زن، نسبت به دیگر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته قابل توجه می‌باشد و متغیر نوع خانواده، کمترین تأثیر را در تبیین فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول دارد.

در مجموع نتایج حاصل از مطالعه حاضر و مطالعات قبلی نشان می‌دهد که در طول سال‌های اخیر فاصله بین ازدواج تا تولد فرزند اول افزایش یافته و از شدت باروری کاسته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه اکثر متغیرهای اجتماعی-فرهنگی و جمعیتی و تعدادی از متغیرهای اقتصادی با متغیر وابسته معنی‌دار می‌باشد و میزان تأثیرگذاری متغیرهای



## Reference

- 1- Gosden R, Rutherford A. Delayed childbearing; Fertility declines at 30 and is almost gone by 40. *British Medical Journal* 1995; 311: 1585-6.
- 2- Sobotka T. Postponement of Childbearing and Low Fertility in Europe. *European Journal of Population* 2006; 22(4): 423-29.
- 3- Lesthaeghe R. Postponement and recuperation: Recent fertility trends and forecasts in six Western European countries. Paper presented at the International Perspectives on Low Fertility: Trends, Theories and Policies Seminar, IUSSP(International Union for the Scientific Study of Population); 2001 March. 21-23; Tokyo, Japan.
- 4- Kumar G.A, Danabalan M. Determinants of Delayed First Birth. *Indian Journal of Community Medicine* 2006; 31(4): 272-73.
- 5- Abbasi-Shavazi MJ, Hosseini-Chavoshi M, McDonald P. Birth Control Use Prior to First Conception in the Islamic Republic of Iran. *Population Association of America Annual Meeting Program*: 2006 March. 30-April. 1: Los Angeles, California.
- 6- Matsuo H, Banerjee S, Hutter I. First marriage and first birth patterns by educational attainment in the transiting societies: The Netherlands, Japan and Karnataka (Southern India). Paper presented to the Annual Meeting of the Population Association: 2004 March. 1-3: Boston, America.
- 7- McDonald P. Gender equity social institutions and the future of fertility. *Journal of Population Research* 2000; 17(1): 1-16.
8. Parsa A. Birth spacing and Influencing factors on it among women in the city Boyer [MS Thesis]. Shiraz University. 2007.
- 9- Abbasi Shavazi MJ, Razeghi Nasrabad BH. Patterns and Influencing factors on the interval between marriage and first birth in Iran. *Journal of Population Association of Iran* 2010; 5(9): 77-105. [Persian]
- 10- Statistical Center of Iran. The Detailed Results of General Census of Population and Housing. Bureau of Statistics and Demographic Information 2006. [Persian]
- 11- Lin N. *Foundation of Social Research*. 1<sup>st</sup> ed. New York: McGraw-Hill Book Company; 1976: 446.
- 12- Abbasi Shavazi MJ, Razeghi Nasrabad BH, Ghazi Tabatabaei M. Multilevel Analysis of Factors Effecting on First Birth Timing in Iran, 1990-2000. *Women's Strategic Studies (Ketabe Zanan)* 2012; 14(55): 55- 94. [Persian]
- 13- Abbasi-Shavazi MJ, McDonald P, Hosseini Chavoshi M. *The Fertility Transition in Iran: Revelation and Reproduction*. 2<sup>nd</sup> ed. Canberra: Springer. National University Canberra; 2009: 48-50.
- 14- Choromzadeh R, Akhound MR, Rasekh A. Factors Affecting Women's Birth Intervals: The Case of Women Referred to Health Centers in Ahwaz. *Hayat, Journal of School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences* 2014; 20(4): 35-50. [Persian]



- 15- Obeng Gyimah S. Women's Educational Attainment and the Timing of Parenthood in Ghana: a Cohort Perspective. London: Population Studies Center University of Western Ontario 2003; 17(4): 1-28.
- 16- DeRose L F, Kravdal O. Educational reversals and first-birth timing in sub-Saharan Africa: a dynamic multilevel approach. *Demography* 2007; 44(1): 59-77.
- 17- Banerjee S. Educational attainment and the timing of first birth. In: Gans HD, Mills M, Oskamp A, Vianen HV. *Higher Education and the Reproductive Life Course*. 1<sup>st</sup> ed. Amsterdam: Dutch University Press Bloemgracht; 2006: 87- 129.
- 18- Skirbekk V. Fertility trends by social status. *Demographic Research* 2008; 18(5): 145- 180.
- 19- Hawkes D, Joshi H, Ward K. The Timing of Child Bearing: Signals of Intergenerational Advantage and Disadvantage. Paper for BSPS Conference: 2004 September. 9-10: Leicester, England.
- 20- Hong Y. Marital decision-making and the timing of first birth in rural China before the 1990s. *Population Studies* 2006; 60(3): 329-341.

Archive of SID



## Factors Associated with Delaying Birth of first Child: A Case Study of 15- 49 Years old Married Women lived in Meybod Town

Zare Mehrjardi R(M.Sc)<sup>1</sup>, Mohamadinia T(M.Sc)<sup>2</sup>, Hosseini G(M.Sc)<sup>3</sup>

1. Corresponding Author: Instructor, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
2. Instructor, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
3. BS, national population studies and comprehensive management institute , Tehran, Iran.

### Abstract

**Introduction:** The purpose of this paper is to examine the impact of demographic, social, economic and cultural factors on delaying the Birth of the first child in Meybod town. Spacing between marriage and the birth of the first child is a crucial factor in demographic planning.

**Methods:** The survey was research method and Information collected by the structured questionnaire. The study population was married women 15 to 49 years old in the city Meybod, and the sample population included 379 such women were selected with using of multi stage cluster random sampling.

**Results:** The results of the study show that there are a meaningful relationship between the variables of women's tendency to pregnancy, kind of family, women's age and duration of marriage, Education of women and their husbands, geographic origin of women, occupational status of women, and their type of marriage with the dependent variable the length of period from marriage to first child birth. Also, Results of multivariate regression shows that the Use of contraceptive, women's marriage age, women's geographic origin, Duration of marriage, Gender Equality and kind of family, Respectively, Have a major role in determining this spacing, and able to predict 34% of the variance in the dependent variable.

**Conclusion:** The results of this study and previous studies shows that in recent years, the space between marriage and birth of first child has increased and from the intensity of fertility is reduced. Overall, from the findings can be concluded that impact of demographic, social and cultural Condition on increase in delaying of the first child birth, and therefore the fertility decline of society is far more than economic conditions. So, to reduce the space between marriage and the birth of first child in the planning, should pay more attention to demographic and social-cultural Factors.

**Keywords:** Delay in childbearing(Postponing Fertility), Age of marriage, Contraceptive methods, family type.